



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

پایہ ۲۰۱۵

چرا عزاداری؟

مہدی عبدالمنان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چرا عزاداری؟

نویسنده:

مهدی عدالتیان

ناشر چاپی:

خانه پژوهش: راه روشن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	چرا عزاداری؟
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۳	پیشگفتار
۱۷	بخش اول: آثار و برکات مجالس عزاداری
۱۷	۱- اشاره
۱۹	۲- ۱. زیباترین و باشکوه ترین کلاس حقیقت شناسی
۲۱	۳- ۲. زمینه سازی به منظور توبه و پاک شدن از زشتی های اخلاقی
۲۳	۴- تثبیت و تقویت ارزش ها و صفات مثبت ۳
۲۵	۵- ۴. آشنایی با ممتازترین شخصیت ها و الگوهای ارزشمند عالم
۲۷	۶- ۵. نوعی دفاع از حق و مبارزه با ظالمان و ستمگران
۲۹	۷- ۶. اقتدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دیگر معصومین (علیه السلام) و اطاعت از ایشان ۶
۳۳	۸- ۷. محبوب شدن نزد خدا
۳۵	۹- ۸. اظهار دوستی و پیوند با معصومین (ع)
۳۷	۱۰- ۹. جلب رضایت و دعای معصومین (ع)
۳۹	۱۱- ۱۰. حق شناسی و تشکر از زحمات امام حسین (علیه السلام) و یاران آن حضرت
۴۱	۱۲- ۱۱. پروراندن نهال عشق حسینی در دل و بهره مندی از ثمرات آن
۴۳	۱۳- ۱۲. بخشوده شدن گناهان
۴۵	۱۴- ۱۳. پاکی و صفای باطن در دنیا و آخرت
۴۷	۱۵- ۱۴. نشانه ی ایمان
۴۹	۱۶- ۱۵. پاداش فراوان
۵۱	۱۷- ۱۶. برآورده شدن حاجتها
۵۳	۱۸- ۱۷. دفع بلاها

۵۵	۱۸-۱۹. توجه و محبت ویژه ی امام حسین (ع)
۵۷	۲۰-۱۹. مرگ راحت
۵۹	۲۱-۲۰. رهایی از سختی های قیامت
۶۱	۲۲-۲۱. شفاعت پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امام حسین (علیه السلام) و ورود به بهشت
۶۳	۲۳-۲۲. همنشینی با اهل بیت (علیه السلام) در قیامت
۶۵	۲۴-۲۳. حفظ مکتب
۶۷	بخش دوم: مجلس عزاداری چگونه مجلسی است؟
۷۵	بخش سوم: پاسخ به چند سؤال
۷۵	۱- اشاره
۸۵	۲- سخن آخر
۸۷	پی نوشت ها
۱۰۳	درباره مرکز

چرا عزاداری؟

مشخصات کتاب

سرشناسه: عدالتیان، مهدی، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور: چرا عزاداری؟ / مهدی عدالتیان.

مشخصات نشر: مشهد: خانه پژوهش، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۸۷ ص.؛ ۱۱×۲۱ س م.

شابک: ۲۸۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۶۹-۸۳-۱

وضعیت فهرست نویسی: فاپا (چاپ دوم)

یادداشت: چاپ قبلی: گل محمدی، ۱۳۸۷.

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۸۱ - ۸۷.

موضوع: سوگواری ها-- فلسفه

رده بندی کنگره: BP۲۶۰/ع۴چ۴ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۴

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۹۷۸۲۸

ص: ۱

اشاره

چرا عزاداری؟

مهدی عدالتیان

ص: ۳

میرسند چرا عزاداری کنیم؟ فلسفه‌ی تشکیل هیئت‌ها و مجالس روضه و سینه‌زنی چیست؟ هدف از اشک و آه و گریه چه می‌تواند باشد؟ میدانیم این مجالس روضه‌خوانی و عزاداری از صدها سال قبل در میان شیعیان مرسوم بوده و جمعی با تشکیل مجالس، نوحه‌خوانی، سینه‌زنی، سخنرانی، پذیرایی و خدمت به عزاداران و... هریک به شکلی عرض ارادت به امام حسین (علیه‌السلام) داشته‌اند و دارند و ما نیز بسته به موقعیت، در این مجالس شرکت کرده‌ایم؛ اما می‌خواهیم درباره‌ی چیستی و چگونگی این گونه مجالس بیشتر بدانیم تا آگاهانه و با اشتیاق بیشتر در این مجالس قدم بگذاریم و اگر بتوانیم، ما نیز در برپایی این محافل شریک باشیم. همچنین می‌خواهیم بدانیم به تن کردن لباس مشکی چه مفهومی دارد و آیا این کار مکروه نیست؟ برای اولین بار چه کسانی و با چه هدفی به این کار اقدام کردند. آیا اهل سنت هم

برای امام حسین (علیه‌السلام) عزاداری میکنند؟ و بالاخره، اگر بعضی با شعرهای نامناسب و شیوه‌های نامشروع، خودسرانه عزاداری میکنند تکلیف ما در مقابل آنان چیست؟

می‌گوییم: آری، حق با شماست؛ آگاهی به انسان انگیزه و نیرو می‌دهد و از آن مهم‌تر سبب ادامگی کار نیک و رها نکردن آن می‌شود. چه بسیار کسانی که کاری را با ذوق و شوق آغاز کرده‌اند اما پس از مدتی به دلیل آگاه نبودن به هدف خود، آن را رها کرده‌اند یا با شنیدن یک انتقاد و اعتراض کوچک از عمل خود پشیمان و از ادامگی آن منصرف شده‌اند.

بی‌جهت نیست که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «هرگاه خواستی کاری انجام دهی آن را با آگاهی و خردمندی انجام بده و پرهیز از این که کاری را بدون دقت و آگاهی انجام دهی؛ زیرا خداوند بزرگ می‌فرماید: «باشید همانند آن زنی که رشته تائیده خود را از هم گسست.» (۱) و نیز امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به کمیل فرمودند: «یا کمیل ما من حركة إلا و انت محتاج فیها الی معرفة» «کمیل، هیچ حرکتی نیست که در آن نیاز به شناخت و آگاهی نداشته باشی.» (۲)

از این رو بر آن شدم که صورت مختصر و مفید برخی آثار تشکیل مجالس عزاداری و روضه‌خوانی را جمع‌آوری و به شیفتگان آگاهی و فهم‌درست، هدیه کنم و سپس به بیان تعریف مجلس عزاداری بپردازم تا برخی اشتباهات و افراط و تفریطها به نام دین و

توصیه‌های دینی مشروع و مقبول جلوه داده نشود و روشن باشد که شیعیان راستین از هر مجلس و هر شیوهی برگزاری مراسم عزاداری دفاع نمیکنند.

ص: ۹

بخش اول: آثار و برکات مجالس عزاداری

۱- اشاره

ص: ۱۱

۲-۱. زیباترین و باشکوه ترین کلاس حقیقت شناسی

دقت کرده‌اید که در اول محرم مانند روز اول مهر (روز بازگشایی مدارس که چه بسا روز اول محرم بسیار عظیمتر از آن است)، جلساتی در همهی شهرها و روستاها و اقصی نقاط جهان برای اقشار مختلف، پیر و جوان، مرد و زن، باسواد و بیسواد و نیز در ساعتهای مختلف- از صبح خیلی زود گرفته تا بعد از ظهر و شب و آخر شب- آغاز به فعالیت میکنند؟

در این جلسات سخنرانان - که همان آموزگاران کلاس هستند- معارف مختلف مانند تفسیر قرآن، شرح نهج البلاغه، تاریخ اسلام، آداب معاشرت، احکام شرعی، روابط همسران، ارتباط والدین و فرزندان و... را در سطحهای مختلف و بسته به نوع مخاطب مطرح میکنند.

به راستی کدام کلاس و چه نوع درسی را میشناسید که در این سطح عظیم و با این تنوع دانشپژوهان و زمانهای برگزاری مطرح باشد؟ آری؛ من و شما بسیاری از حرفهای خوب و رفتارهای شایسته و ارزشهای انسانی و دینی را از همین مجالس و پای همین منبرها آموختهایم. همه، افرادی را سراغ داریم که سواد خواندن و نوشتن هم ندارند؛ اما خیلی از مسائل ارزشمند را میدانند و وقتی علت آن را جویا

میشویم، سرچشمه را در همین مجالس مذهبی و جلسات عزاداری مییابیم. بسیاری از تحصیلکردگان نیز اطلاعات دینی و قرآنی خود را حاصل شرکت در این محافل میدانند. بله؛ وقتی کسی توجه میکند که این جلسات مذهبی و برنامههای عزاداری در حقیقت کلاس درس است، دیگر نمیگوید این همه جلسه برای چیست و چرا به عناوین مختلف جلسهی عزاداری برگزار میشود؛ زیرا: کلاس درس هر چه بیشتر، بهتر؛ و آگاهی و معرفت هر چه افزونتر، بهتر.

۳-۲. زمینه سازی به منظور توبه و پاک شدن از زشتی های اخلاقی

از آن جا که در مجالس عزاداری سخن از خدا و اولیای خدا و پاکان و پاکیها زیاد به میان میآید، این مجالس اغلب انسان را به فکر فرو میبرد و بیدارباشی است که غافلان را از غفلت خارج و از خواب بیدار میکند؛ بهویژه وقتی سخن از حر و توبهی حقیقی و خالصانهی او به میان میآید. در این مجالس بسیاری از خطاکاران تصمیم بر ترک خطا میگیرند و میکوشند اعمال گذشتهی خود را جبران کنند. البته از حق نباید گذشت؛ تنها از توبه و پاکی سخن گفتن عامل این تحولات و تغییر مسیردادهای نیست، بلکه مهمترین عامل توجه ویژهی صاحب این مجالس، یعنی آقا و مولای ما اباعبداللهالحسین (علیهالسلام) است؛ بیجهت نبود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از ابتدا ایشان را کشتی نجات و چراغ هدایت خواندند. (۳)

او کشتی نجات است و ما با شرکت در مجالس سوگواریش اعلام نیاز میکنیم و دست طلب برای درخواست کمک بالا میبریم تا به سراغمان بیاید و ما را از غرق شدن در دریای هوا و هوس و وسوسههای شیطان و صفات ناپسند نجات دهد.

فراموش نمیکنم که یکی از دوستان میگفت: «همسایه‌های داشتیم که در هوسرانی و گناه و حرامخواری غرق بود و هرگز اهل شرکت در مجالس مذهبی نبود. یکی از روزهای دهه عاشورا- که در منزل مجلس عزاداری داشتیم- به منزل ما آمد تا بابت طلبی که از او داشتم، یک چک به من بدهد. برای رفتن خیلی عجله داشت. با اصرار از او خواستم یک چایی روضه بخورد و او هم مشغول نوشیدن چای شد، در همین یکی دو دقیقه به سخنان گوینده هم گوش میکرد، پس از صرف چای با کمال تعجب بلند نشد و تا آخر مجلس نشست و از آن عجیبتر که فردا و روزهای بعد هم تا پایان دههی اول محرم شرکت کرد و روز آخر به من گفت: «این مجلس امام حسین (علیه‌السلام) مرا عوض کرد. در این چند روز وسایل گناه را از خانه بیرون بردم و مشغول بازپرداخت حقوق مردم هستم.» این میسر نیست جز با عنایت و نظر آن حضرت به این مجلس.

۴- تثبیت و تقویت ارزش‌ها و صفات مثبت ۳

همانگونه که جسم انسان برای سلامتی و رشد به تغذیه و استفاده از غذاها و میوه‌های سالم نیاز دارد، روح انسان هم برای حفظ ارزشها و صفات مثبت و نیز تقویت آنها نیازمند تغذیه است.

غذای روح انسان سخنان حکیمانه و برگرفته از آیات نورانی قرآن و فرمایش معصومین (علیهم‌السلام) است. همانگونه که با آب دادن به گلها طراوت و شادابی آنها را حفظ میکنیم، با تذکرات مفید و سازنده باید شادابی روحی خود را حفظ کنیم و انگیزی انجام دادن خوبیها را در خود تقویت نماییم.

مجالس عزاداری از بهترین موقعیتها برای این تذکرات است؛ به همین سبب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مجالس تذکر و موعظه را به باغی پردرخت و سرسبز تشبیه فرمودند که با گردش در آن، علاوه بر کسب نشاط و شادابی میتوان از میوه‌های گوناگون آن بهره‌مند شد. روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به اصحاب فرمودند: «در باغهای بهشت گردش کنید.» آنانگفتند: «ای رسول خدا، مقصود شما از باغهای بهشت چیست؟» فرمودند: «مجالس تذکر و یادآوری ارزشها.» (۴)

بارها تجربه کرده‌ایم که وقتی در این مجالس نکته‌های دربارهی خوبیها بازگو میشود، هرچند بیشتر نیز آن

نکته را میدانستیم، این یادآوری، انگیزی ما را در بهکار بستن آن تقویت میکند و آن روز مثلا- بیشتر به پدر و مادر خود احترام میگذاریم یا با همسرمان بهتر برخورد میکنیم یا اگر وسیله‌ی گناهی در منزل داشته‌ایم، آن را بیرون میبریم. همچنین به انجام دادن کاری که از اهمیت و ارزش آن بیخبر بودهایم و در چنین مجالسی متوجه ارزشمندی آن شده‌ایم همت می‌گذاریم.

ص: ۱۸

۵-۴. آشنایی با ممتازترین شخصیت‌ها و الگوهای ارزشمند عالم

در راه کمال و رشد معنوی، داشتن الگو بسیار مهم و مؤثر است. خداوند متعال در قرآن-که سراسر راهنمای انسانسازی است- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و پس از ایشان حضرت ابراهیم (علیه السلام) را به عنوان الگو معرفی میکند. پس از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) جانشینان معصوم آن حضرت و پیروان آنان و شاگردان مکتب ایشان الگوهای ارزشمند به‌شمار می‌آیند که مردم با دیدن و شنیدن شرح حال آنان هم به کسب کمالات تشویق میشوند و هم راه و رسم پیمودن منزلهای کمال را می‌بینند و می‌آموزند.

عملکرد کاروان حسینی در مقابل یزیدیان مجموعه‌ی الگوهای کامل و بینظیری است که در آن پیرمرد میانسال، جوان، نوجوان، کودک، زن و مرد، دختر و پسر، پدر و مادر، زن و شوهر و خواهر و برادر مشاهده میشود.

انسان در هر یک از این جایگاهها که باشد، میتواند الگوهای مناسب خود را انتخاب کند و از این الگوها بهترین درسها را بگیرد؛ درسهای عبودیت، رضا و تسلیم در مقابل امر خداوند، شجاعت، صبر، شکرگزاری، ظلم ستیزی، اطاعت از حجت خدا،

بیاعتنایی به دنیا و زرق و برقهای آن، عشق و محبت خالصانه به خدا و حجت خدا، ایثار، طبقه‌بندی ارزشها، کمک به مسیر در پیمودن راه خدا و انجام وظیفه الهی، خم به ابرو نیاوردن در مقابل دشمن خدا و بالاخره فداکردن جان و مال و فرزند و همهی هستی در راه رضای معبود. آری، در مجالس عزاداری اهل بیت (علیهاالسلام) است که انسان با این الگوها و این ارزشها آشنا میشود و مصمم میشود که او هم در این مسیر پای نهد و گامهایی جدی و اساسی بردارد.

۶-۵. نوعی دفاع از حق و مبارزه با ظالمان و ستمگران

امام حسین (علیه‌السلام) از همان ابتدا هدف خود را برپایی حق و مبارزه با باطل و ظلم اعلام کردند و خطاب به اهل کوفه هم فرمودند: «آیا نمی‌بینید به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی نمی‌شود؟ سزاوار است که در این چنین وضعی انسان با ایمان، مرگ و ملاقات با خدا را آرزو کند. آری؛ من مرگ را جز سعادت و خوشبختی نمی‌بینم و زندگی با ستمگران را جز خواری و ذلت نمی‌دانم.» (۵)

گفت و گو درباره‌ی چنین حرکتی و سخن گفتن از پیشوای این حرکت و جان برکفانی که در رکاب او به مبارزه با باطل پرداختند، روح مبارزه با ستم و تن ندادن به ظلم را در جامعه زنده می‌کند و فرهنگ مبارزه و شهادت را به نسل‌های بعد منتقل می‌کند و همین، بخشی از مبارزه با ظالمان و ستمگران و نوعی دفاع از حق و حقیقت است؛ به همین سبب امامان معصوم (علیه‌السلام) از کسانی که با زبان شعر و ادب بازگوکننده‌ی این رشادتها و مبارزات بوده‌اند، به عنوان یاور و ناصر خود یاد کرده‌اند.

امام رضا (علیه‌السلام) به «دِعْبِل» - که از شاعران برجسته و متعهد شیعه بود - فرمودند: «ای دِعْبِل، برای حسین بن علی (علیه‌السلام) مرثیه بگو؛ تو تا زنده‌های یاور و ستایشگر مایی؛

آری شرکت در مجالسی که برای تجلیل از مبارزان و مجاهدان در راه حق و عدالت و ظلمستیزی برپا شده و گریستن در مصیبت‌های آنان و همدردی و همراهی با ایشان، علاوه بر زنده‌کردن آن ارزشها نوعی هشدار به ظالمان و بیدادگران در هر عصر و زمانی است که: ما پیروان حسینبنعلی (علیهالسلام) هرگز تن به ستم نمیدهیم. به قول آن عالم فرزانه: «در شرایط خشن یزیدی در حزب حسینها شرکت کردن و تظاهر به گریه‌کردن بر شهدا نوعی اعلام وابستگی به گروه اهل حق و اعلان جنگ به گروه باطل و درحقیقت نوعی از خودگذشتگی است. اینجاست که عزاداری حسینبنعلی (علیهالسلام) یک حرکت است؛ یک موج است و یک مبارزه‌ی اجتماعی است.» (۷)

۷-۶. اقتدا به پیامبر (صلی الله علیه وآله) و دیگر معصومین (علیه السلام) و اطاعت از ایشان ۶

اولین کسی که در دنیای اسلام بر امام حسین (علیه السلام) اشک ریخت و مصیبت‌های او را بازگو کرد، شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) بودند که در موارد متعددی از جمله روز ولادت آن حضرت، در منزل ام سلمه، در منزل عایشه و در خانه امام علی (علیه السلام) در حالی که حسین عزیز را در آغوش داشتند، اشک می‌ریختند و وقتی علت را سؤال کردند، آن مصائب سخت را یادآوری فرمودند. خوشبختانه تاریخ این موارد را ثبت کرده و جالب این است که حتی اهل تسنن - که کمتر مجالس عزای حسینی برپا میکنند - در کتابهای معتبرشان این اخبار را نقل نموده‌اند. مرحوم علامه امینی - که از بزرگان و علمای شیعه به‌شمار می‌آید - کتابی نوشته است با نام «سیرت‌نا و سیرت‌نا». در آن کتاب بیش از بیست مورد عزاداری پیامبر (صلی الله علیه وآله) در ماتم عزیزشان، حسین‌علی (علیه السلام) را از کتابهای معتبر اهل تسنن مانند «مقتل خوارزمی» و «مجمع الزوائد هیتمی» جمع‌آوری کرده است.

همچنین در تاریخ می‌خوانیم: امیرالمؤمنین (علیه السلام) با دو تن از یارانش از «کربلا» گذر کرد. هنگام عبور از این سرزمین به یاد امام حسین (علیه السلام) و یارانش چشمانش

گریان شد. سپس فرمود: «اینجا محل بار افکندن آنان است و اینجا خونهایشان ریخته میشود.» (۸)

آری، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیهالسلام) در حالی که بیش از بیست سال به واقعهی کربلا مانده بود، بر آن مصیبت اشک ریختند و از آن یاد کردند. پس کسانی که به یاد آن بزرگواران عزاداری میکنند و اشک میریزند، به ایشان و همچنین به دیگر معصومین (علیهالسلام) که پس از واقعهی کربلا عزاداری نمودهاند اقتدا کردهاند.

به سه نمونهی زیر توجه فرمایید:

۱. امام باقر (علیهالسلام) به کسانی که نمیتوانند روز عاشورا به زیارت سیدالشهدا در کربلا بروند، دستور میدهد در خانهها برای امام حسین (ع) گریه و ندبه کنند و اهل خانه را هم به شرکت در این مجلس عزا و اقامهی سوگواری سفارش نمایند و چون به یکدیگر میرسند، به هم تسلیت بگویند. (۹)

۲. یکی از دوستان امام صادق (ع) (۱۰) میگوید: «خدمت آن حضرت رسیدم. حضرت فرمودند برایم در سوگ سیدالشهدا شعر بخوان. من نیز خواندم.» حضرت فرمودند: «نه اینطور نه؛ بلکه همانگونه که برای خودتان شعرخوانی میکنید و همانگونه که نزد قبر سیدالشهدا مرثیه میخوانی.» (۱۱)

۱. امام رضا (علیه‌السلام) به دَعِیْل فرمودند: «مرثیه بخوان.» پردهای نصب کردند؛ زنان هم آن طرف پرده نشستند و همه گریستند. (۱۲)

ص: ۲۵

بهطور طبیعی هر انسانی دوست دارد عزیز و محبوب و مورد توجه باشد و البته هرچه فرد مهمتر و کارآمدتر و معتبرتر باشد، علاقه‌ی انسان به محبوب شدن در نظر او بیشتر میشود. به همین دلیل است که دانش آموزان در مقابل معلم، سربازان در مقابل فرمانده و کارمندان در مقابل رئیس اداره دوست دارند هرچه محبوبتر و عزیزتر باشند؛ اما وقتی آگاهی و معرفت انسان زیاد شد متوجه میشود همهی کارها دست خداست؛ اوست که خالق و مالک انسان است و عزت و ذلت، فقر و غنا، مرگ و زندگی، همه و همه در دست اوست؛ پس باید تلاش کرد تا نزد او محبوب شد و رضایت او را جلب کرد؛ اگر او اراده کند کسی را بالا برد همهی عالم نمیتوانند او را پایین بیاورند و اگر اراده کند کسی را بر زمین بزند همهی عالم نمیتوانند از این سقوط جلوگیری کنند.

اما چگونه میشود نزد او محبوب شد؟

بعد از تقوا و اطاعت از پروردگار، از کارهایی که انسان را بسیار محبوب خدا میکند میتوان به اظهار ارادت به امام حسین (علیه‌السلام) و تشکیل مجالس عزا و شرکت در این مجالس اشاره کرد؛ چرا که آن حضرت محبوب خداست و دوستان و ارادتمندان او هم با این

اظهار محبت، محبوب خدا میشوند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «حسین از من است و من از حسین؛ خداوند هر کس را که دوستدار حسین باشد، دوست دارد.» (۱۳)

امیرالمؤمنین علی (ع)، میفرماید: «شنیدم که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) میگفت: «محبت حسن و حسین تمام وجود مرا فراگرفته است و خداوند به من امر کرده است این دو را دوست بدارم و دوست بدارم هر که را که دوست آنان باشد.» (۱۴)

عزاداری برای امام حسین (ع) - که حکایت از دوستی با آن حضرت دارد- انسان را محبوب خدا و اولیای خدا میکند.

نکته‌ی جالب توجه اینکه در روایات میخوانیم: «خداوند خود عهده‌دار پاداش عزادار حسین (علیه‌السلام) است.» (۱۵) یعنی خداوند به قدری از سوگوار حسین خشنود میشود که پاداش او را خود به عهده میگیرد.

۹-۸. اظهار دوستی و پیوند با معصومین (ع)

هر دوستی باید نشانه‌های داشته باشد، و گرنه با حرف و ادعا نمیتوان دوستی را ثابت کرد. اگر کسی به حقیقت دیگری را دوست دارد، تلاش میکند او را از خود نرنجانند؛ تا میتواند خواسته‌های او را انجام دهد و در شادی او شاد و در غم او محزون و ناراحت باشد.

دوستی و پیوند با اهل بیت (علیهم‌السلام) هم باید در رفتار و گفتار ما نمودی داشته باشد؛ چنانکه در سخنان معصومین (علیهم‌السلام) به گونه‌های واضح این حقیقت بیان شده که دوست اهل بیت باید با رفتار خود این دوستی را ثابت کند.

امام باقر (علیه‌السلام) فرمودند: «هر کس دوست حقیقی ماست، باید مشتاق زیارت قبر امام حسین (علیه‌السلام) باشد؛ پس هر کس حسین (علیه‌السلام) را زیارت کند (در حال داشتن امکانات و امنیت)، او را به عنوان دوستدار اهل بیت میشناسیم.» (۱۶)

امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «هر کس (در حال داشتن امکانات و امنیت) به زیارت قبر امام حسین (علیه‌السلام) نرود، تا آخر عمرش از شیعیان ما نیست.» (۱۷)

بر همین اساس میتوان ادعا کرد تشکیل مجالس عزاداری و شرکت در آن مجالس و اشک و آه و

اظهار حزن و ماتم در ایام سوگواری اهل بیت (علیهم‌السلام) از بهترین نشانه‌های این دوستی است؛ همان طور که معصومین (علیهم‌السلام) خود به چنین دلالتی اشاره فرموده‌اند. امام صادق (علیه‌السلام) به یکی از دوستانشان - که به حضرت از عزاداری و گریهی خود بر مصیبت امام حسین (علیه‌السلام) خبر داد- فرمودند: «رحمت خدا بر اشک چشم تو؛ تو از عزاداران ما هستی و از کسانی هستی که در شادی ما شاد و در غم و اندوه ما غمگین هستند.» (۱۸)

امام رضا (علیه‌السلام) به پسر شیب فرمودند: «اگر دوست داری در بهشت با ما و در مراتب و درجات ما باشی، در غم و اندوه ما محزون و ناراحت و در شادی ما شاد باش.» (۱۹)

بنابراین عزاداران حسینی و شرکتکنندگان در مجالس اهل بیت (علیهم‌السلام)، با حضورشان دوستی و محبت خود را اثبات و اعلام میکنند.

معصومین (علیهالسلام) علاوه بر اینکه خود برای امام حسین (علیهالسلام) عزاداری میکردند، دوستان و شیعیان‌شان را هم به این امر توصیه میکردند و از آنان میخواستند با تشکیل مجالس و گردهمایی، هم معارف و سخنان ایشان را بازگو و به یکدیگر یادآوری کنند و هم به عزاداری و ذکر مصیبت پردازند و گاهی از دوستانشان نسبت به این امر سؤال میفرمودند. امام صادق (علیهالسلام) از فضل پرسیدند: «آیا دور هم مینشینید و حدیث و سخن میگویید؟» گفت: «آری.» حضرت فرمودند: «این گونه مجالس را دوست دارم؛ پس امر [امامت] ما را زنده بدارید. خدا رحمت کند کسی را که امر [و راه و مرام] ما را زنده نگه دارد.» (۲۰)

از نکاتی که نشانه‌ی خشنودی و رضایت معصومین (علیهالسلام) از دوستانشان است، دعا‌های آن شخصیت‌های الهی است که گاهی رضایت خود را با دعا کردن اظهار میداشتند. بدیهی است این دعاها علاوه بر اینکه خبر از خشنودی آن بزرگواران میدهد، مایه‌ی خیر و برکت و رشد برای دوستانشان نیز هست. ما که گاهی از شخص مؤمن و آبرومند در پیشگاه خداوند تقاضای دعا میکنیم و اگر با خبر شویم دوست خوبی در حق ما دعا کرده، خرسند میشویم. جا دارد خود

را در معرض دعای بزرگترین شخصیت‌های عالم و محبوبترین و آبرومندترین انسانها در پیشگاه خداوند قرار دهیم و کاری کنیم که دعای آنان شامل حال ما گردد. یکی از مواردی که چنین افتخاری را نصیب انسان میکند، همین عزاداری برای امام حسین (علیه‌السلام) و تشکیل مجالسی به نام آن حضرت و یا شرکت در این مجالس است.

امام صادق (علیه‌السلام) به داوود رقی - که یکی از دوستان حضرت بود - فرمودند: «به دوستان من سلام برسان و بگو من دعا میکنم که رحمت الهی شامل کسی گردد که با فرد دیگر بنشیند و دربارهی سخنان و معارف ما گفت و گو کند؛ که در این صورت فرد سوم در اجتماع آنان فرشتهای است که برایشان طلب استغفار میکند.» (۲۱)

و در وقتی دیگر برای زائران و سوگواران اهل بیت (علیه‌السلام) چنین دعا میفرمودند: «خدایا آن دیدگان را که اشکهای آنها در راه ترحم و عاطفه بر ما جاری شده و دلهایی را که به خاطر ما سوخته و نالان گشته و آن فریادها و نالههایی را که در راه ما بوده است، مورد رحمت قرار بده.» (۲۲)

۱۱-۱۰. حق شناسی و تشکر از زحمات امام حسین (علیه السلام) و یاران آن حضرت

تشکر و سپاسگزاری در مقابل محبت و احسان، نه تنها دستوری قرآنی و دینی است، بلکه هر انسانی به حکم فطرت خود در مقابل خوبی و محبت، سپاسگزار است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) میفرماید: «هر کس احسانی به او شود و بتواند جبران کند، باید آن را تلافی کند و اگر نتواند، باید از آن قدردانی و ستایش کند؛ زیرا کسی که احسانی را بستاید، در واقع از آن سپاسگزاری کرده است و هر کس نیکی را نادیده بگیرد، ناسپاسی کرده است.» (۲۳)

حق بزرگی که امام حسین (علیه السلام) و یاران بااخلاص آن حضرت بر عالم انسانیت به ویژه عالم اسلام دارند، قابل توصیف نیست. در زیارت اربعین خطاب به پروردگار عالم میگوییم: «امام حسین (علیه السلام) خون پاک خود را در راه تو داد تا بندگانت را از جهل و نادانی و سرگردانی ناشی از گمراهی برهاند.» (۲۴)

آری؛ انسانیت، تدین، آزادگی و همهی ارزشها مدیون امام حسین (علیه السلام) و یاران آن حضرت است؛ زیرا یزید و یزیدیان کمر همت به نابودی همهی اینها بسته بودند؛ پس باید از این احسان تشکر کرد و حال که جبران آن احسان در توان ما نیست دستکم باید طبق

فرمودهی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) از آن قدردانی و ستایش کنیم. این مجالس عزاداری و بزرگداشت محرم و صفر، مصداق بارز این تشکر و قدردانی است.

ص: ۳۴

۱۲-۱۱. پروراندن نهال عشق حسینی در دل و بهره مندی از ثمرات آن

عشق و علاقه به امام حسین (علیه‌السلام) بذری است که خداوند در دل بندگان خویش میافشانند؛ همانها که زمین دلشان آمادهی بهره‌برداری است و مزرعه‌ی وجودشان را از آفتها پیراسته‌اند.

امام صادق (علیه‌السلام) فرموده‌اند: «هرکس که خداوند خیر او را بخواهد، دوستی حسین (علیه‌السلام) و علاقه به زیارت او را در دلش میاندازد.» (۲۵) پس دوستی سیدالشهدا (علیه‌السلام) و شیفته‌ی او بودن و از یاد مصیبت‌هایش منقلب شدن، امری خدایی و هدیه‌ی الهی است، چنانکه رسول‌خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «از شهادت حسین (علیه‌السلام) حرارت و گرمایی در دل‌های مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمیشود.» (۲۶)

آری؛ عشق به امام حسین (علیه‌السلام) هدیه‌ی الهی است و خداوند خود پاداش کسانی را که قدردان این هدیه‌ی بزرگ باشند، می‌دهد؛ تا آنجا که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «آگاه باشید که خداوند از سر رحمت و مهربانی بر عزاداران حسین درود می‌فرستد.» (۲۷)

اکنون ما باید این لطف الهی را که بذر محبت حسین (علیهالسلام) را در مزرعه‌ی وجودمان افشانده، شکر گوئیم و در عین حال از آن مراقبت نماییم و در پروراندن و به بار نشاندن آن بکوشیم. اینجاست که برپایی مجالس عزا و سخنگفتن از اهداف و آرمانهای آن حضرت و اشک ریختن در ماتم او ما را در انجام این وظایف یاری مینماید.

ص: ۳۶

اعمال زشت و ناپسند (در یک کلام نافرمانی از پروردگار عالم) زیانهای فراوان و خسارتهای بزرگی بر روح و جسم و دنیا و آخرت انسان وارد میکند؛ مانند قساوت قلب (بیرحمی و سخت شدن دل)، سلب نعمت، مستجاب نشدن دعا، حقناپذیر شدن، کمشدن و قطع روزی، محروم شدن از گفت و گو با پروردگار و نماز شب، نازل شدن بلا، قطع باران، اختلاف و درگیری در خانواده، معطلی در قیامت، خشم و لعن الهی، گرفتاریهای بیسابقه، پشیمانی در دنیا و آخرت، رسوایی و بیابرویی، کوتاه شدن عمر، برخی حوادث طبیعی مثل زلزله، فقر عمومی در جامعه، غم و پریشانی و اضطراب، برخی بیماریها، مسلط شدن انسانهای شرور و ناصالح بر جامعه و فرد و....

آری؛ گناه و نافرمانی پروردگار بسی زیانبار است. توجه به این ضررها و آفتها انسان را به فکر توبه و شستوشوی گناهان میاندازد و از بهترین وسیلههای این پاکسازی برای انسانی که از خطاهای خود پشیمان و درصدد جبران آنهاست، شرکت در عزای امام حسین (علیهالسلام) و گریه در مصیبت اوست که امام رضا (علیهالسلام) فرمودند: «باید گریهکنندگان، بر مثل

حسین

ص: ۳۷

گریه کنند زیرا گریه بر او بار گناهان بزرگ را از دوش انسان برمی‌دارد.» (۲۸) و نیز آن حضرت به پسر شیب فرمودند: «اگر بر حسین (علیه‌السلام) اشک ریختی، همین که اشک بر گونهای جاری شد، خداوند گناهانت را میبخشد.» (۲۹) (البته باید پس از این تلاش کرد تا این پاکی باقی بماند.) همین وعده را امام صادق (علیه‌السلام) به فضیل فرمودند. (۳۰)

البته ناگفته پیداست مقصود از بخشش گناهان، بخشش عقوبت مانند فشار قبر، عذاب آخرت و آتش جهنم است نه این که مال مردم و حقوق پایمال شده‌ی مردم هم بخشیده شود. پس کسی که درصدد توبه است باید خساراتی را که به مردم زده جبران و صاحبان حق را از خود راضی کند.

انسان موجودی است مرکب از جسم و روح و این دو بُعد وجودی انسان شباهت‌های زیادی به یکدیگر دارند. به‌عنوان مثال جسم و روح هر دو سلامتی و بیماری، قوت و ضعف، نشاط و افسردگی دارند. یکی از شباهت‌ها پاکیزگی و صفاست؛ همان‌گونه که انسان با استحمام، شستوشو و نیز با ورزش و تفریح جسم خود را شاداب و بانشاط و پاکیزه می‌کند، روح انسان هم نیاز به شستوشو و پاکسازی دارد. صاحب روح پاکیزه به دنبال آلودگی‌ها نیست؛ برای کسی بد نمی‌خواهد؛ به کسی ظلم نمی‌کند. به همین سبب پیشوایان دینی ما همواره ما را به پاک‌نمودن و پاکیزه‌نگهداشتن روح و باطن توصیه کرده‌اند و ابزار مختلف آنرا به ما آموخته‌اند؛ مثلاً پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمودند: «دل‌های شما همانند آهن زنگار می‌گیرد.» از آن حضرت پرسیدند دل را چگونه میتوان جلا بخشید. فرمودند: «با تلاوت قرآن.» (۳۱)

از بهترین و مؤثرترین راه‌ها برای یافتن صفای باطن و نورانیت دل در دنیا و آخرت، شرکت در مجالس امام حسین (علیه‌السلام) و اشک ریختن در مصیبت‌های آن حضرت است. امام هشتم (علیه‌السلام) فرمودند: «هر کس از مصیبت‌های ما یاد نماید و خود گریه کند و دیگران را

بگریانند، در روز قیامت گریان نخواهد بود و هر کس در مجلسی بنشیند که در آن یاد ما و سخنان و سنت و سیره‌ی ما زنده شود، در روزی که دلها میمیرد، قلب و روح او زنده و بانشاط خواهد بود.» (۳۲)

بدیهی است کسی در آخرت صفای باطن و دل روشن دارد که در دنیا چنین باشد.

ص: ۴۰

ایمان، باوری درونی است که زبان آن را اعلام و رفتار انسان آن را تأیید و تصدیق میکند؛ همان گونه که امام رضا (علیه‌السلام) فرمودند: «ایمان عبارت است از باور داشتن دل و قلب، اقرار و اعتراف به زبان و عمل نمودن به فرامین ایمانی با اعضا و جوارح.» (۳۳)

بنابراین تنها به زبان ادعای ایمان کردن کافی نیست و باید میوه‌ی درخت ایمان در رفتار و گفتار انسان آشکار گردد؛ از این رو نشانه‌های مختلفی برای انسان مؤمن در قرآن و روایات بیان شده که وجود و بروز آنها محصول ایمان انسان است.

از مهمترین نشانه‌های ایمان، به فرمودهی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خداست. (۳۴) انسانی که دوستان خدا را دوست و دشمنان خدا را دشمن میدارد، به حقیقت، ایمان به خدا دارد و از آنجا که امام حسین (علیه‌السلام) از کاملترین مظاهر بندگی خدا و محبوبترین دوستان خدا هستند، عشق و علاقه به ایشان - که آثار آن در رفتار و گفتار هویدا میگردد - خود بهترین نشانه‌ی ایمان به خداست. در روایات میخوانیم امام باقر (علیه‌السلام) فرمودند: «حسین عزیز در حالی که طفلی خردسال بود، به طرف رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد. حضرت او را در آغوش گرفت و در دامان خود

نشانده؛ آنگاه فرمودند: «همانا از شهادت حسین (علیهالسلام) سوزی در دل مؤمنان است که هرگز سرد نمیشود.» امام باقر (علیهالسلام) در ادامهی سخن خود اینگونه عشق خود به امام حسین (علیهالسلام) را اظهار فرمودند: «پدرم فدای آن کشتهی اشک.» از آن حضرت پرسیدند مقصود از این تعبیر چیست؟ فرمودند: «هیچ مؤمنی مصیبتهای او را یاد نمیکند مگر اینکه بر او بگرد.» (۳۵) بنابراین عزاداران حسینی و شرکتکنندگان در مجالس آن حضرت یکی از نشانههای مهم ایمان را دارا هستند.

امام حسین (علیهالسلام) هم خود فرمودهاند: «من کشتهی اشکم؛ هیچ مؤمنی مرا یاد نکند، جز آن که اشک ریزد.» (۳۶)

دنیا بازار تجارت و اندوختن زاد و توشه برای آخرت است و هرکس در فرصت عمر خود - که مقدار آن هم نامعین است - هرچه کسب کند، همان سرمایهی زندگی ابدی او در جهان باقی است؛ به همین دلیل انسانهای مؤمن و زیرک - که از هر فرصتی برای رسیدن به هدفهای الهی و معنوی خود بهره میجویند - به دنبال کارهایی هستند که در عالم دیگر ارزشمندتر باشد.

در بین همهی کارهای خوب و خدایسند کمتر عملی را پرخیر و برکتر از برپایی مجلس عزای امام حسین (علیهالسلام) میبینیم. در این مجالس؛ فراگیری علم، امر به معروف و نهی از منکر، اظهار محبت به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و خاندان گرامی ایشان، اعلام حمایت از مظلوم، جبههگیری در مقابل ظالم، اطعام و پذیرایی از مؤمنان و... همگی وجود دارد.

هرکدام از این عناوین پاداشی دارد و برپایی مجلس عزای امام حسین (علیهالسلام) معادل مجموع این پاداشهاست. در این مجالس حتی برای نفسکشیدن پاداش ذکر و تسبیح در نظر گرفته شده است؛ که امام صادق (علیهالسلام) فرمودند: «آن کس که در غم ما محزون و از ظلمی که بر ما رفته ناراحت است؛ نفس کشیدنش پاداش

تسبیح و غصه خوردنش ثواب عبادت دارد.» (۳۷)

گاهی پاداش کسی را که در عزای امام حسین (علیه‌السلام) با سرودن یا خواندن شعری دیگران را میگریاند، بهشت و بخشش و مغفرت الهی تعیین نموده‌اند. (۳۸)

همچنین در روایات پاداش اظهار ارادت نسبت به امام حسین (علیه‌السلام) و زیارت آن حضرت و عزاداری برای ایشان با پاداش عمره، حج، جهاد در راه خدا و پاداش شهید برابر شمرده شده‌است. (۳۹) بدیهی است این پاداشهای فراوان و متفاوت بستگی به نوع زیارت یا عزاداری و میزان معرفت و کیفیت عمل دارد؛ هرچه زیارت و عزاداری با شناخت بیشتر و سازندگی کاملتر باشد، ارزش آن بیشتر میشود.

جمله‌ی آخر اینکه از عزاداری برای اهل بیت (علیه‌السلام) آن قدر میتوان فضیلت و پاداش کسب نمود که گاهی در روایت اینگونه تعبیر شده‌است: «برای هر عملی میتوان ثواب و پاداش تعیین نمود جز اشک ریختن در عزای اهل بیت (ع)». (۴۰)

شکی نیست که همهی کارها دست خداست و خداوند است که نیازهای مادی و معنوی بندگانش را برآورده میسازد؛ اما سنت الهی این است که وقتی بندهای کاری خداپسندانه انجام می‌دهد، عطای بیشتری به او دارد و حتی اگر شایستگی لطف خاصی را نداشته باشد به دلیل انجام آن کار خوب یا واسطه قرار دادن یکی از اولیای خدا، خداوند به او عنایت میکند و از همینرو در قرآن هم فرموده‌است:

«وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (۴۱)

«وسیلهای برای تقرب به خداوند انتخاب کنید.»

اکنون باید اندیشید که چه وسیله‌های ارزشمندتر از عزاداری برای امام حسین (علیه‌السلام) و یاران باوفای آن حضرت میتوان به پیشگاه خداوند برد؛ که هم تجلیل از اولیای خدا، هم خدمت به مؤمنان، هم توسل به عزیزترین اولیای خدا و هم دعای معصومین (علیه‌السلام) را شامل شود. بر همین اساس از بهترین راهها برای رسیدن به خواسته‌های مادی و معنوی شرکت در مجالس عزاداری و گریستن و گریاندن در عزای سالار شهیدان است. امام صادق (علیه‌السلام) هم پس از اینکه

کُمیت (۱) در خدمت حضرت ذکر مصیبت کرد، در حق او چنین دعا نمودند: «پروردگارا! تمام گناهان کُمیت را ببخش و آن قدر به او عطا فرما تا راضی و خشنود شود.» (۴۲)

ص: ۴۶

۱- [۱]. شاعر اهل بیت در زمان امام صادق (ع)

زندگی بشر همواره با حادثه و بلا همراه بوده و ناگواریها جزء جدانشدنی زندگی انسان است؛ اما توجه به دو نکته دربارهی این اتفاقات ضروری است.

نکتهی اول این که حادثهها علت‌های گوناگون دارد؛ گاهی نتیجهی استفادهی نادرست و نابجای انسان از نعمتهای الهی است؛ گاهی وسیلهی امتحان بشر و گاهی اسباب بیداری و رشد و کمال در زندگی انسان و بالارفتن درجات معنوی اوست. نکتهی دوم این که انسان میتواند بسیاری از این بلاها و ناگواریها را با دعا، توسل و رعایت قوانین طبیعی از خود دور سازد؛ اما در بین تمام ابزارهای دور نمودن بلا و گرفتاری مادی و معنوی از زندگی بشر، اظهار ارادت به پیامبر اکرم و خاندان آن حضرت و استمداد از این عزیزان خداوند، جایگاهی ویژه دارد. امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) به کمیل فرمودند: «ای کمیل! هر روز را با نام خدا آغاز کن و بر خدا توکل نما و نام ما را به زبان بیاور و بر ما درود بفرست تا از سختیها و بلاهای آن روز در امان باشی.» (۴۳)

آنچه مربوط به بحث ماست این است که در بین راههای توسل به عزیزان خداوند بهترین راه، تشکیل

و شرکت در مجالسی است که زنده‌کننده‌ی تعالیم، خاطرات و یاد آن عزیزان خدا باشد و همواره مردم را با اهداف و توصیه‌های ایشان آشنا کند و کمکی شایان به پیاده نمودن آن تعالیم در زندگی باشد؛ البته همراه با عرض ارادت و ابراز اندوه در غم آنان و اظهار شادی در شادی آنان. آری؛ چنین اظهار ارادتی از بهترین دورکنندگان بلا و گرفتاری مادی و معنوی در زندگی ماست.

امام صادق (علیه‌السلام) ضمن سخنانی فرمودند: «هر کس در راه ما اذیت شود و مصیبت ببیند و بر مصایب ما اشک بریزد، خداوند سختی و گرفتاری و آنچه را مایهی رنجش و اذیت است، از او دور می‌فرماید.» (۴۴)

خداوند متعال در قرآن کریم میفرماید: «هنگامیکه کسی به شما محبتی اظهار میکند، آن را بهتر یا لااقل بهمانگونه پاسخ دهید.» (۴۵)

معصومین (علیهاالسلام) - که قرآن در خانه‌آنان نازل شده- و معلمان و بهترین الگوهای عمل به قرآن هستند، بیش از هر کس به این برنامه قرآنی پایبند بوده و هستند؛ به همین سبب محبت و اظهار دوستی دیگران را کریمانه و چندین برابر پاداش میدهند و گاهی چنان احسان و لطف میکنند که قابل توصیف نیست.

امام حسین (علیهاالسلام) که قبل از شهادت و در زمان زندگی دنیوی خویش نیز به کرامت و بزرگواری معروف بودند، پس از شهادت هم متوجه ارادتمندان (بسته به میزان اظهار محبت و عرض ارادت نسبت به ایشان) هستند و در مقابل عزاداری، ذکر معارف و فضایل، تشکیل مجالس، شرکت در مجالس و هر قدم کوچک و بزرگ، لطف و محبت و عطای ویژه‌ای به دوستان خود دارند.

برخی از تشکرها چنان فوق العاده است که باید نام آن را «محبت ویژه» گذارد. نمونه‌هایی از این موارد چنین برشمرده شده‌اند:

۱. امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «حسین‌بن‌علی (علیه‌السلام) توجه ویژه‌ای به عزاداران خود دارند و خود برای آنان از پیشگاه پروردگار طلب مغفرت میکنند و از پدر خود، امیرمؤمنان نیز تقاضا میکنند برای عزاداران او استغفار نمایند.» (۴۶)
۲. امام حسین (علیه‌السلام) در روز قیامت به دیدار زیارتکنندگان و ارادتمندان خود میروند و مستقیم و رو در رو به گفت و گو با آنان میپردازند. (۴۷)
۳. آن حضرت شخصاً در صحرای محشر به دنبال زیارتکنندگان خود میگردند و ایشان را از سختیها نجات میدهند. (۴۸)

از سختترین مراحل زندگی انسان لحظات پایانی و هنگام بازگشت به وطن اصلی و جداشدن از اهل و خانواده و بستگان و نیز ثروت و موقعیتهای اجتماعی و هر چیزی است که عمری با آن انسگرفتهاست هر انسان معتقد به قبر و قیامت آرزو دارد لحظهی مرگ، لحظهی راحت و بیخطر برای او باشد. از آثار و برکات عزاداری امام حسین (علیهالسلام) و گریستن در مصائب آن حضرت، آسایش هنگام مرگ است که معصومین (علیهالسلام) با بیانات مختلف به آن اشاره کردهاند.

به دو نمونه از آنها توجه نمایید:

الف- استقبال معصومین (علیه السلام) از عزادار امام حسین (علیه السلام):

امام صادق (علیهالسلام) به یکی از دوستانشان به نام «مسمع» فرمودند: «آیا از مصیبتهای اباعبداللّهالحسین یاد میکنی؟» گفت: «بله»؛ فرمودند: «آیا بهگریه و عزاداری هم میپردازی؟» گفت: «بله؛ چنان اشک میریزم که اطرافیان متوجه حزن و اندوه و گریهی من میشوند.» آنگاه حضرت از او تجلیلکردند و برایش دعا کردند و فرمودند: «تو هنگام مرگ، شاهد حضور پدرانم بر بالین خود خواهی بود.»

ب- محبت و مهربانی ملک الموت:

امام صادق (علیه‌السلام) در ادامه‌ی سخن خود به مسمع فرمودند: «پدران من در هنگام مرگ، سفارش تو را به ملک‌الموت مینمایند تا آنجا که ملک‌الموت با تو مهربانتر خواهد بود.» (۴۹)

ص: ۵۲

بدون شك کسی که به قرآن کریم و آیات نورانی آن معتقد باشد از سختیهای قیامت بیخبر نیست؛ روزی که همهی انسانها در یک مکان جمع میشوند و برخی افراد تا پنجاههزار سال معطل خواهند شد؛ روزی که نامهی اعمال و پروندهی زندگی انسانها به آنان تحویل داده میشود و حقایق آشکار و حق و باطل از یکدیگر متمایز میشود؛ روزی که همه باید از صراط عبور کنند و سنجش اعمال خود را شاهد باشند و شاکیان را -در حالیکه هیچ یک از امکانات دنیایی در اختیارشان نیست- پاسخگویند؛ روزی که خطر رسوایی و آبروریزی و کیفر و عذاب، هرکسی را تهدید میکند. آن روز عقیدهی صحیح و عمل صالح و نیت خالص -که نتیجهی آن رضایت پروردگار و اولیای اوست- نجات دهندهی انسانهاست؛ و از آنجا که مجالس عزاداری امام حسین (علیهالسلام) در بردارندهی تذکرات اعتقادی و اخلاقی و بیان احکام و آداب و ارزشهای دینی است و نیز در این مجالس ذکر فضایل و مصیبتهای اهل بیت (علیهالسلام) و اظهار ارادت و عزاداری در

مصیبت‌هایشان صورت می‌گیرد، برگزارکنندگان و شرکتکنندگان در این مجالس - گرچه ممکن است

خطاهایی در رفتار خود داشته باشند- عزم آگاه شدن و اصلاح اخلاق و رفتار خود دارند که همین تصمیم جدی، مقدمه‌ی رسیدن به کمالات، تضمین کننده‌ی عقیده و عمل و اخلاص در عمل به‌شمار می‌آید و از همینرو به برگزارکنندگان و شرکتکنندگان در این مجالس وعده‌ی رهایی و نجات از سختیهای آن روز داده شده است.

امام باقر (علیه‌السلام) فرمودند: «آنان که در مصیبت‌های ما گریان و عزا دارند، خداوند سختیهای قیامت را از آنان دور و به آنان امنیت و سلامتی از بلاهای آن روز عطا می‌فرماید.» (۵۰)

امام حسین (ع) فرمودند: «من خود زیارتکنندگان را دستگیری می‌کنم و از سختیهای قیامت نجات می‌دهم.» (۵۱)

۲۲-۲۱. شفاعت پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امام حسین (علیه السلام) و ورود به بهشت

شفاعت به معنی دستگیری آبرومندان در پیشگاه پروردگار برای نجات از سختیهای قیامت و نیز رسیدن به رتبههای بالاتر است.

شکی نیست که آبرومندترین انسانها در پیشگاه پروردگار عالم، محمد و آل محمد (صلی الله علیه وآله) هستند و همه‌ی انسانها در قیامت به شفاعت آنان نیازمندند؛ جمعی برای نجات از سختیها و عده‌های برای ترفیع درجه و مقام و منزلت. همانگونه که ممکن است در پایان سال تحصیلی دو دانش‌آموز را ببینیم که هر کدام از معلم تقاضای یک نمره دارند؛ با این تفاوت که یکی با اضافه شدن تقاضای این نمره، نمره‌اش به حد قبولی میرسد و دیگری با یک نمره، به حد ممتاز.

اکنون باید توجه داشت که شفاعت کنندگان و شفاعت‌شوندگان هر کدام شرایطی دارند که در آیات قرآن و روایات شرح داده شده و باید به آنها مراجعه نمود؛ اما آنچه در این مقام مقصود ماست چنان که از مدارک دینی استنباط میشود، بیشترین شفاعت در قیامت توسط آقا ابوالفضل الحسین (علیه السلام) صورت میگیرد و از مهمترین سببهای این شفاعت عرض ارادت به آن حضرت و تشکیل مجالس به یاد

او و شرکت در مجالس عزای آن شهید مظلوم است و نکته‌ی جالب توجه این که از مهمترین سببهای شفاعت سایر معصومین (علیهاالسلام) نیز اظهار ارادت به امام حسین (علیهاالسلام) است.

در حدیثی میخوانیم:

روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با دخترشان زهرا (سلاماللهعلیها) درباره‌ی شهادت امام حسین (علیهاالسلام) گفت و گو نمودند. زهرا (سلاماللهعلیها) پرسید: «در آن زمان که من، شما و پدرش نیستیم، چه کسی بر حسین من گریه میکند؟» پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «مردان و زنانی از امت من هر سال اجتماعاتی تشکیل میدهند و عزاداری او توسط دوستان ما هر سال ادامه مییابد.» آن گاه در مقام بیان پاداش آن مؤمنان فرمودند: «روز قیامت من از مردانشان و تو از زنانشان شفاعت میکنیم و ایشان را وارد بهشت مینماییم.» (۵۲)

ص: ۵۶

یکی از ارزشها و افتخارها در دنیا، همسایگی و همنشینی و همراهی با شخصیتهای ممتاز و دارای درجات عالی علمی و اجتماعی است. بارها شنیدم که افرادی در مقام بیان افتخارات خود گفتهاند که من سالها همسایهی فلان شخصیت علمی بودهام یا در فلان سفر همراه او یا در فلان مجلس در کنار او نشسته بودم.

بدیهی است اگر این افتخار در آخرت نصیب کسی شود، قابل مقایسه نیست؛ زیرا:

(الف) در دنیا ممکن است ما در تشخیص مقام علمی و ارزشی فردی اشتباه کنیم و بعد از سالها بفهمیم که همنشینی با او چندان هم ارزشمند نبوده است.

(ب) همنشینی در دنیا گاهی اتفاقی و تصادفی است و همیشه نمیتواند نشانهی آبرومندی و ارزشمندی فرد نزد آن شخصیت مهم باشد.

(ج) همنشینی در دنیا موقت و کوتاه و تمام شدنی است؛ اما در آخرت شخصیتهای ممتاز به حقیقت ممتاز هستند و همنشینی و همسایگی با آنان دارای ارزش است و این همنشینی زوالناپذیر و جاوید است.

بنابراین باید به دنبال سببی بود که همنشینی اخروی

را به دست آورد. از مهمترین اسباب آن شرکت در محافل حسینی و تشکیل این محافل و خدمت به عزاداران آن حضرت است؛ همانطور که امام رضا (علیهالسلام) فرمودند: «عزاداران ما در قیامت با ما و همنشین ما خواهند بود.» (۵۳)

طبیعی است وقتی انسان با عشق و محبت به اهل بیت (علیهالسلام) در اینگونه محافل شرکت میکند دوست دارد هر چه بیشتر با عمل به آنچه از سخنان آن بزرگان میشنود به ایشان نزدیک شود و این ابزاری کارآمد برای رسیدن به کمالات و سرانجام همنشینی و همجواری با آن عزیزان خداست.

ص: ۵۸

در عالم، اندیشه‌ها و مکتبها و گروهها و مرامهای فراوانی بوده‌اند که تا مدتی بسیار پرسروصدا و فعال بوده اما پس از مدتی و به مرور زمان به دست فراموشی سپرده شده یا چنان تحریف شده‌اند که دیگر هیچ شباهتی به اصل و اساس خود نداشته‌اند.

مکتب اسلام و مذهب تشیع - که دین کامل و اسلام جامع است - نه تنها از این خطرات محفوظ مانده بلکه هر روز درخشانتر و گسترده‌تر از قبل در عالم مطرح بوده و هست. رمز این جاودانگی و وسیله‌ی این پایداری را پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خود در این کلام نورانی بیان فرمودند: «به درستی که حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است.»

آری؛ هنگامی که مشعل فروزان همواره راه را به گم‌شدگان نشان دهد و کشتی نجات غرق‌شدگان را دریابد، فنا و نیستی و گمراهی در کار نخواهد بود. امروز وقتی تاریخ را مرور میکنیم میبینیم در طول تاریخ چه تلاشهای گسترده و چه دشمنیهای همجانبه و پیچیده‌ای علیه این دین و مذهب صورت گرفته و بارها و بارها نشانها و کتابها و جلسات دینی از سطح جامعه جمع آوری و برچیده شده؛ آن چنان که دشمنان یقین کرده‌اند دیگر هرگز نام و

نشانی از این دین نخواهد بود، اما سوز عشق حسینی در دل‌های مشتاقان همچون آتشی زیر خاکستر مدتی پنهان مانده و باز در اولین فرصت نام امام حسین (علیه‌السلام) و مجالس آن حضرت وسیله‌های شده تا همهی خسارتها جبران و گردهماییهای مذهبی بلکه بهتر و کاملتر از گذشته تدارک دیده شود.

آری؛ این مجالس همچون امانتداری متعهد معارف، ارزشها، اسرار و حقایق دینی را حفظ میکنند و نسل به نسل در اختیار دوستداران حقیقت قرار میدهد و این مشعل فروزان تا قیامت به روشن کردن راه ادامه خواهد داد. بیجهت نبود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در بیان دیگری فرمودند: «سوگند به آن که مرا به پیامبری برانگیخت، حسینبنعلی در آسمان بزرگتر است تا زمین؛ در سمت راست عرش الهی [دربارهی وی] مکتوب است: چراغ هدایت، کشتی نجات، پیشوای خیر و برکت و عزت و فخر و علم و ذخیره‌ی الهی.» (۵۴)

بخش دوم: مجلس عزاداری چگونه مجلسی است؟

ص: ۶۱

یک مجلس عزاداری خوب و مورد تایید مدارک دینی ما دارای ویژگیهای زیر است:

الف. موارد کلی

۱. قبل از هر چیز و مهمتر از هر ویژگی اخلاص است که باید برگزار کنندگان مجالس، سخنرانان، مرثیه خوانان و حتی شرکتکنندگان نیتی جز جلب رضای پروردگار نداشته باشند.

امام صادق (علیهالسلام) فرمودند: «از ریا پرهیز زیرا هر کس کاری را برای غیر خدا انجام دهد، خداوند او را به همان کسی که کار را برای او انجام داده وا میگذارد.» (۵۵)

۲. مناسب است مجلس اهل بیت (علیهالسلام) در بردارنده مهمی ارزشها باشد. هم آگاهیبخش و ارشادگر و هم بستری برای عرض ادب و ارادت و عرض تسلیت و ذکر مصائب بهشمار آید. پس اگر تنها به ذکر مصیبت اکتفا کنیم و ساعتها وقت مردم را تنها با گفتن نام معصومین (علیهالسلام) در قالب نوحه و مداحی صرف کنیم، آنان را از بهرههای مهمتری - که حضرات معصومین (علیهالسلام) خود بر آن اصرار داشتهاند - محروم کردهایم. البته اگر پای در چنین مجلسی نهادیم نباید آن را تضعیف یا ترک کنیم بلکه باید در اصلاح و تکمیل و تقویت آن بکوشیم. امام صادق (علیهالسلام) به یکی

از دوستانشان (۵۶) فرمودند: «به من گزارش داده‌اند که زن و مرد در نیمه‌ی شعبان به زیارت بارگاه امام حسین (علیه‌السلام) می‌آیند؛ قرآن می‌خوانند؛ از زندگی اهل بیت (علیه‌السلام) می‌گویند؛ روضه‌خوانی و مرثیه‌سرایی دارند. آن فرد پاسخ داد: آری فدایت شوم، در برخی از این مراسم خود حضور داشتم. حضرت به عنوان اظهار خرسندی از برگزاری چنین مجلسی شکر خدای بهجا آوردند.» (۵۷)

ملاحظه می‌فرمایید که مجلس مورد رضای اهل بیت (علیه‌السلام) دستکم سه برنامه‌ی ارزشمند دارد: بهره‌مندی از قرآن، درسهایی از زندگی اهل بیت (علیه‌السلام) و ذکر مصیبت و عزاداری.

۱. پرهیز از گرایش خاص و ایجاد تفرقه بین صفوف دوستان اهل بیت (علیه‌السلام). متأسفانه برخی محافل مذهبی به علت اصرار در اعلام وابستگی به شخص یا مجموعه‌ی خاص و بدگویی از برخی محافل و مجموعه‌های مذهبی دیگر، زمینه غیبت و بدگویی و تفرقه را ایجاد می‌کنند و جمعی از نیروهای ارزشمند مذهبی را از دست می‌دهند. چه زیباست که مجالس اهل بیت (علیه‌السلام) متعلق به اهل بیت باشد و هرچه بیشتر در جهت وحدت و همدلی و یکپارچگی این جلسات تلاش شود. امام رضا (علیه‌السلام) به عبدالعظیم حسنی فرمودند: «به دوستان من سلام مرا برسان و بگو اجازه ندهند شیطان در بین ایشان نفوذ کند و آنان را به راستگویی و امانتداری دعوت کن و از آنان بخواه به دیدار یکدیگر بروند و به تضعیف و شکستن یکدیگر

۱. انتخاب گویندگان و ذاکران از بین افراد مخلص، آگاه و اهل تقوی و عمل به دستورهای دین.

ب. وظایف و ویژگی های گویندگان و ذاکران

۱. اخلاص.

۲. بیان مطالب مستند به قرآن کریم و برگرفتن فرمایشهای معصومین (علیهالسلام) از کتابهای معتبر.

۳. گزینش مطالبی که برای مخاطبان مفید، کاربردی و دارای اولویت باشد.

۴. پرهیز جدی از بیان مطالب سست، بیاساس، غیرمفید و غیرقابل هضم و درک مخاطبان یا طرح مطالب شبهه‌آفرین و سؤال‌برانگیزی که ذهن مخاطب را درگیر میکند.

۵. پرهیز از ذکر مطالب ذلت‌آمیز که شأن اولیای خدا را پایین می‌آورد و از عظمت آنان میکاهد.

۶. پرهیز از غلو در حق معصومین (علیهالسلام) یعنی نسبت دادن الوهیت به آنان. که امام صادق (علیهالسلام) فرمودند: «جوانان خود را از شر غلات (غلوکنندگان) برحذر دارید؛ مبادا آنان را فاسد کنند؛ همانا غلات بدترین بندگان خدا هستند؛ عظمت خدا را کوچک میکنند و ادعای خدایی برای بندگان خدا دارند. به خدا قسم غلات بدتر از یهود و نصاری و مجوس و مشرکان هستند.» (۵۹)

۷. درباره‌ی امام زمان -ارواحنا له الفداء- تلاش شود مباحث مستند به قرآن و روایات معتبر مطرح شود و از طرح مطالب بیمدرک و مستند به خواب یا

گفته‌هایی که گوینده‌اش معلوم نیست و مانند اینها به شدت پرهیز شود تا به افراد سودجو و فرصتطلب بهانه داده نشود که با ادعای ارتباط با آن حضرت و اظهار حضور قطعی و مشخص حضرت در مجلس از عواطف و علایق مردم نسبت به ولایت سوءاستفاده کنند. گرچه این گونه اعمال اغلب از روی سادگی، ناآگاهی و به قصد خیرخواهی و جذب مردم به ارزشهای دینی صورت میگیرد اما باید توجه داشت که این کار علاوه بر این که از نظر شرعی حرام و نادرست است سبب کناره‌گیری مردم به ویژه جوانان از محافل مذهبی خواهد شد. یکی از مراجع بزرگ تقلید در پاسخ به سؤالی در همین زمینه نوشته است: «ادعای ارتباط خاص با حضرت حجت (علیه‌السلام) در زمان غیبت دروغ است و شرکت در مجلسی که در آن چنین ادعاهایی مطرح میشود حرام است و مؤمنان باید بیاساس بودن چنین ادعاهایی را برای مردم بیان کنند تا گمراه نشوند.» (۶۰)

۱. گویندگان و ذاکران نباید مردم و گناهکاران را از رحمت الهی ناامید کنند. از سوی دیگر نباید چنان گویند که گناه در نظر مردم امری ساده و راحت جلوه کند و در ارتکاب به گناه جری شوند؛ و نیز مراقب باشند از شوق تشویق مجرمان به توبه، حق پاکان و آنان که همواره مراقب گفتار و کردار خود بوده‌اند ضایع نشود و جوانان پاک، احساس نکنند زیان دیده‌اند.

۲. به قصد بالا بردن مقام چهاردهم معصوم (علیه‌السلام)، انبیای

بزرگ الهی را کوچک نکنند.

۱. عالم دینی و ذاکر اهل بیت (علیها السلام) باید قبل از سخن گفتن با عمل و اخلاق و حلم و نصیحتپذیری خود به دیگران آموزش دهد. امیرالمؤمنین علی (علیها السلام) فرمودند: «کسی که خود را پیشوای مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد و پیش از آن که به گفتار تربیت کند با کردار تعلیم دهد.» (۶۱)

۲. بهانه ندادن به دست دشمنان دین و ارزشهای دینی. برخی رفتارها و گفتارهای نسنجیده و سبک علاوه بر آثار نامطلوبی که بر شرکتکنندگان در مجالس مذهبی دارد موجب سوء استفاده دشمنان دین در تبلیغ بر ضد ارزشهای دینی و مراسم سوگواری سالار شهیدان حسینبنعلی (علیها السلام) میشود. یکی از مراجع بزرگ تقلید در اینباره مینویسد: «مداحی و خواندن اشعار در مجالس اهل بیت (علیها السلام) باید طوری باشد که موجب وهن شیعه نباشد و بهانه به دست دشمنان شیعه ندهد. در مجالس اهل بیت (علیها السلام) باید اشعاری خوانده شود که حاکی از فضیلتهای آن بزرگواران باشد و مصائب و مظلومیت ایشان را برای مردم بازگو کند. ائمه از ما نخواستهند که خود را به صورت حیوان درآوریم؛ آنچه از ما خواسته اند، این است که مؤمن صالح باشیم و اخلاق ما اخلاقی باشد که از آن بزرگواران به ما رسیده است.» (۶۲)

۳. گرچه گویندگان و ذاکران با اخلاص اهل بیت (علیها السلام) نیازی به این تذکر ندارند و ارزش کار آنان بالاتر از

آن است که با همهی دنیا و آنچه در آن است قابل معاوضه باشد، این بزرگواران باید مراقب باشند که افرادی با نگاه و رویکرد کاسبکارانه در بین ایشان نفوذ نکنند و به چنین افرادی تذکر دهند که امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «آنکس که حدیث را برای منفعت دنیا بخواند، در آخرت بهرهای ندارد و آنکس که حدیث را برای خدا و آخرت بخواند، خداوند خیر دنیا و آخرت را به او عطا خواهد کرد.» (۱) (۶۳)

ص: ۶۸

۱- [۱]. ویژگی های مجلس عزاداری وزین و مطلوب اهل بیت (علیه السلام) و صفات سخنران و ذاکران با اخلاص را عالمان بزرگ دینی دهها و بلکه صدها سال قبل در کتاب هایی نظیر «لؤلؤ و مرجان» و «نفس المهموم» بیان کرده اند و برخی از اشارات این نوشتار هم برگرفته از همان توصیه هاست.

بخش سوم: پاسخ به چند سؤال

۱- اشاره

ص: ۶۹

۱- پوشیدن لباس مشکی در ایام سوگواری اهل بیت (علیه السلام) چه مفهومی دارد و آیا این کار مکروه نیست؟

علاوه بر اینکه «کراهت پوشیدن لباس مشکی» از نظر برخی فقیهان و عالمان دینی ثابت نیست، در مورد ایام سوگواری هیچ کس پوشیدن لباس مشکی را مکروه ندانسته بلکه بارها و بارها در سخنان بزرگان تاکید و تصریح شده است که این کار بهتر و شایسته‌تر است و حکمت آن اظهار اندوه و غم و همدردی با اولیای خداست. یکی از فقهای بزرگ عصر ما مینویسد: «باتوجه به اینکه پوشیدن لباس سیاه شعار اهل مصیبت و علامت سوگواری و عزاست، پوشیدن آن در عزای حضرت سیدالشهدا و سایر حضرات معصومین (علیه‌السلام) بیشبیه راجح (بهتر) و تعظیم شعائر و اعلام برائت از اعدای آل محمد (علیه‌السلام) و تجلیل از ایثار، فداکاری، شهادت در راه خدا، پاسداری از دین و مذهب و مصداق عناوین راجحی دیگر است. به طور یقین این برنامه‌ها و سیاهپوشیدن و سیاهپوشکردن در دیوار خانه‌ها، حسینیه‌ها، تکایا و مجالس، که متضمن درسهای بسیار آموزنده و موجب تعالی افکار و اهداف و تبلور شعور مذهبی و انسانی است همه راجح و سبب احیا و بسط امر مذهب و تحکیم علائق و روابط با خاندان رسالت و تجدید میثاق تشیع و پیروی از آن بزرگواران و

ص: ۷۱

۱- پوشیدن لباس مشکی در ایام سوگواری از چه زمانی آغاز شده و اول بار چه کسی به این عمل اقدام کرده است؟

این نکته که لباس مشکی نشان عزادار بودن است، سابقهای دیرینه دارد و از قرن‌ها قبل وقتی مردم میدیدند فردی لباس مشکی برتنکرده از او میپرسیدند چه اتفاقی افتاده و به داغ کدام عزیز در سوگ نشستهای؟ در تاریخ اسلام نیز به نمونههایی برخورد میکنیم که مسلمانان و حتی گاهیهحضرات معصومین (علیهالسلام) با پوشیدن لباس مشکی عزادار بودن خود را اعلام میکردند. در عبارت زیر دقت فرمایید:

الف) ابنا بیالدنیا در کتاب مقتل امام امیر المؤمنین مینویسد: «حسن بن علی (علیهالسلام) پس از درگذشت پدرش علی (علیهالسلام) بر فراز منبر کوفه در جامهی سیاه برای ما خطبه خواند.» (۲)

ب) مسعودی در اثبات الوصیه روایت کرده که امام مجتبی (علیهالسلام) پس از دفن پدر، در مسجد کوفه خطبه خواند در حالیکه عمامهای سیاه بر سر و جامهای مشکی در برداشت. (۳)

ج) ابونعیم اصفهانی روایت میکند: «زمانیکه خبر شهادت امام حسین (علیهالسلام) به امسلمه - همسر پیامبر - رسید در مسجد پیامبر خیمهای سیاه برپا نمود و خود نیز جامه سیاه پوشید.» (۴)

ص: ۷۲

۱- [۱] پاسخ به شبهات عزاداری، حسین رجبی، ص ۱۰۵.

۲- [۲] شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۲، ذیل وصیت نامه ی امام علی (علیه السلام) به امام حسن (ع)

۳- [۳] اثبات الوصیه الامام علی بن ابیطالب، ص ۱۳۳.

۴- [۴] عیون الخبار و فنون الآثار، عمادالدین قرشی، ص ۱۰۹.

د) پس از شهادت امام حسین (علیه‌السلام) و یاران آن حضرت کسی از زنان بنی‌هاشم و طایفه قریش نبود مگر آنکه برای امام حسین (علیه‌السلام) لباس سیاه پوشیده باشد.»^(۱)

۱- آیا اهل سنت هم برای امام حسین (علیه‌السلام) عزاداری می‌کنند؟

واقعیت این است که اهل سنت نیز از شهادت فرزند پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بسیار متأثر و ناراحت‌اند و در ایام عاشورا به عزاداری و بیان حادثه‌ی عاشورا می‌پردازند. چنان‌که در مناطق سننشین ایران به ویژه در کردستان از گذشته‌های بسیار دور تا زمان حاضر برادران و خواهران اهل سنت در مجالس عزاداری امام حسین (علیه‌السلام) و شهدای کربلا شرکت و گاهی به طور مستقل مجالس همراه با اطعام برگزار می‌کنند و این روش اکنون در بین برادران شافعی مذهب در کردستان بیشتر به چشم می‌خورد و در مناطق دیگر نیز به نحو مناسبی برگزار می‌گردد. در خارج از کشور نیز به ویژه در پاکستان برادران و خواهران اهل سنت مجالس سوگواری برگزار مینمایند و دولت پاکستان روزهای تاسوعا و عاشورا را تعطیل رسمی اعلام کرده‌است. اهل سنت در شهرهای کراچی، حیدرآباد، کوئته، تهته و میرپورخاص از ایالت سند، روز عاشورا و اربعین امام حسین (علیه‌السلام) نیاز (نذر) امام حسین می‌کنند و در آن نیاز غذاهای مختلف به‌ویژه حلیم می‌زنند و بین

ص: ۷۳

۱- [۱] بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۹۶. موارد فوق از کتاب پاسخ به شبهات عزاداری نوشته‌ی حسین رجبی نقل شده است.

عموم مردم تقسیم میکنند و همچنین از آغاز محرم تا روز عاشورا در بین عزاداران آب و شربت پخش میگردد و مردم در بسیاری از این شهرها فعالانه در مجالس عزاداری شرکت میجویند. در شهر کوتری که نود و پنج درصد اهالی آن را اهل سنت تشکیل میدهند در ایام عزاداری به ویژه عزاداری امام حسین (علیهالسلام) مجالسی باشکوه برگزار میگردد که صدها تن از اهلسنت در آن شرکت میکنند و در روز عاشورا به سوی «امام بارگاه» حرکت میکنند.

در هند نیز عزاداری برای سالار شهیدان مرسوم و متداول است و حتی تا قبل از ظهور مسلک دیوبند در شبه قاره هند، تمامی اهل سنت در ماه محرم و روز عاشورا رخت عزا به تن کرده مردم را اطعام میکردند و این مراسم تا گذشتهای نه چندان دور ادامه داشته است.

۱- در برخی مراسم عزاداری از موسیقی و ابزار لهُو استفاده می شود. این برنامه ها با فلسفه ی عزاداری منافات ندارد؟

همان طور که در ابتدای این نوشتار آمد ما از هر مراسم و مجلسی دفاع نمیکنیم. به صراحت باید گفت اینگونه محافل مورد تایید دین و عالمان دینی نیست. یکی از فقها در مورد اینگونه مجالس مینویسد:

- استعمال آلات لهُو در مجالس معصومین (علیهالسلام) جایز نیست و نیز حضور در مجالسی که این برنامهها در

آن اجرا میشود جایز نیست و گرفتن پول برای این کارها جایز نیست. مجالس معصومین باید طوری باشد که مردم را با فضایل و سفارشهای معصومین (علیهاالسلام) آشنا نماید و آنان را با یاد خداوند متعال بیندازد. (۱)

۱- در مجالس عزاداری اشعار غلو آمیز یا سخنانی که دور از شان اهل بیت (علیه السلام) است گفته شده و گاهی چند ساعت از وقت مردم به تکرار شعارهای بی فایده صرف می شود. باوجود این باز هم شرکت در چنین مجالسی توصیه می شود؟

مجلس عزاداری اهل بیت (علیهاالسلام) ویژگیهایی دارد که در سخنان معصومین به آن اشاره شده است. آگاهیبخشی، رشدآوری، تجدید میثاق با الگوهای ارزشی و ذکر فضایل و نیز ذکر مصیبتهای اولیاء خدا برخی از این ویژگیهاست. ما باید بکوشیم در مجالسی شرکت کنیم که دارای این امتیازات باشد و البته به سبب وجود مجالسی که فاقد این صفات است و گرفتار غلو و بیحاصلی شده نباید از مجالس خوب هم صرفنظر نمود. همان گونه که به دلیل وجود اسکناس جعلی، استفاده از اسکناس معتبر را ترک نمیکنیم و به سبب وجود زینتآلات بدلی، استفاده از طلا را کنار نمیگذاریم. البته عالمان دین هم همواره تذکر دادهاند که مجالس مفید باشند و در آنها از ذکر سخنان و اشعار نادرست

ص: ۷۵

به شدت پرهیز شود که به نمونه‌های از توصیه‌های آنان در بخش قبل این نوشتار اشاره شد.

۱- می‌دانیم در ماه محرم و صفر و دیگر ایام سال، مجالس و برنامه‌های بسیار گسترده‌ای به نام امام حسین (علیه السلام) برگزار می‌شود که هزینه‌ای بالغ بر میلیاردها تومان دارد. آیا این همه هزینه و صرف وقت و امکانات بجاست و آیا مصرف بهتری برای آن نیست؟

یکی از دانشمندان و مبلغان برجسته پاسخ این سؤال را چند دهه قبل با مثالی زیبا بیان نموده است که جا دارد همان عبارت ایشان نقل شود:

«در بدن انسان اعضایی هست که بدون آنها زندگی میسر نیست؛ مانند جگر سیاه که مرکز تولید خون است، و مانند قلب که مرکز پخش خون است، و مانند جگر سفید که وسیله تنفس است. اینگونه اعضا را اعضای رئیسه میگویند و هرگاه یکی از این اعضا فاسد شود دیگر زندگی میسر نیست.

حال اگر فرض کنیم یک نفر ثروت جهان را داشته باشد و به کبدش آفتی برسد که زندگیش در معرض خطر افتد، آیا چنین کسی حاضر نخواهد شد همهی ثروتش را خرج کند تا سلامت خود را بازیابد؟ و آیا این خرج عقلا پسندیده و لازم نیست؟ البته چنین خرجی ارزش دارد و لازم است.

جامعه درست مانند بدن انسان است. بعضی صفات در جامعه حکم اعضای رئیسه بدن را دارد و بدون

آن صفات، زندگی اجتماعی میسر نیست؛ مانند غیرت، شجاعت، صداقت، امانت، ایمان، تقوی و عفت. اگر جامعهای اینگونه صفات را از دست دهد قطعاً محکوم به مرگ و ذلت خواهد بود. حال چقدر ارزش دارد که یک جامعه خرج کند و صرف وقت نماید تا این صفات را زنده نگه دارد و نگذارد از بین برود؟ ماه محرم و جلساتی که در آن تشکیل میشود وسیلهای است که اگر خردمند باشیم میتوانیم به منظور حفظ این صفات از آن نتیجه بگیریم.»^(۱)

ص: ۷۷

۱- [۱] سخنرانی های راشد، جلد دوم (سال ۱۳۲۱)، ص ۲۹۷.

محبت و عشق و علاقه به امام حسین (علیه‌السلام) نهالی است که بذر آن را خداوند در دل مؤمنان افشاند و اولین عزادار و ذاکر و گریه‌کننده بر حسین (علیه‌السلام) در اسلام شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و پس از ایشان امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) و زهرای اطهر (سلام‌الله‌علیها) بوده‌اند.

با چنین جنبش و شور و حالی هیچ قدرتی نتوانسته و نمیتواند مقابله یا آن را کم‌رنگ کند؛ چنانکه در طول تاریخ هر کس در مقابل این حرکت ایستاده به سرعت نابود و از صفحه‌ی روزگار محو شده و هر کس به آن پیوسته و در مقابل آن تواضع و کرنش نموده مانند قطره‌ای که به دریا می‌پیوندد جاودانه شده‌است.

نکته‌ی بسیار زیبا و شگفت‌آور این است که جاودانگی این نهضت و نابودی دشمنان آن را عقیل‌هی بنی‌هاشم، دختر امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، زینب‌کبری (سلام‌الله‌علیها) در همان اوج سرمستی یزید و در حالیکه به ظاهر اسیر دست او بودند، به وی تذکر دادند و خطاب به یزید فرمودند:

«حیله و نیرنگ خود را به‌کار ببر و کوشش و تلاش خویش را به‌کار بند؛ ولی قسم به خدا نخواهی توانست یاد ما را از خاطر‌ها محو کنی و پیام ما را از میان برداری و کشش دولت ما را نخواهی یافت و نخواهی توانست ننگ خود را از میان ببری؛ آیا

جز این است که اندیشه‌های نارسا، روزگارت کوتاه و گروهت پراکنده است؟» (۶۴)

با عنایت پروردگار مهربان و توجه امام زمان بقیة اللہ الاعظم (ارواحنا له الفداء) و لطف و بی‌زهی صاحب این محافل و مجالس یعنی اباعبدالله الحسین (علیه السلام)، بخشی از این نوشتار در سفر تبلیغی دهی اول محرم ۱۴۲۷ و بخش پایانی آن در سفر زیارتی عتبات عالیات و در کربلای معلی نوشته شده است. این جملات را در روز جمعه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۵ مصادف با ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۷ در حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) مینویسم و آخرین جمله را در حالیکه مقابل ضریح مطهر آن حضرت نشسته‌ام، از روی ضریح منور یادداشت مینمایم که از قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چنین نوشته شده است:

«مَنْ أَحَبَّ الْحَسْنَ وَالْحُسَيْنَ أَحَبَّهُ»

و مَنْ أَحَبَّهُ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ.»

ص: ۸۰

۱. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۱۰.
۲. تحف العقول، ص ۱۱۴، سخنان امام علی.
۳. عن الرسول (صلى الله عليه وآله): «إِنَّهُ لَمَكْتُوبٌ عَنِ يَمِينِ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَيِّفِيْنَةُ النَّجَاةِ»، عيون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۵۹.
۴. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۱۶۳.
۵. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱ / فرهنگ سخنان امام حسين (عليهالسلام)، ص ۳۱۸.
۶. جامع احاديث الشيعة، ج ۱۲، ص ۵۶۷.
۷. نهضت‌های اسلامی صدساله‌ی اخیر، شهید مطهری، ص ۸۰.
۸. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۵۸.
۹. کامل الزیارات، ص ۱۷۵.
۱۰. ابوهارون مکفوف.
۱۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۷.
۱۲. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷.
۱۳. حُسَيْنٌ مِنِّي وَ اَنَا مِنْ حُسَيْنٍ اَحَبُّ اِلَهِ مِنْ اَحَبِّ حُسَيْنًا، کامل الزیارات، ص ۵۲.
۱۴. «يَا عَلِيُّ لَقَدْ اَذْهَلَنِي هَيْدَانِ غُلَامَانِ اَنْ اَحِبَّ بَعْدَهُمَا اَحَدًا اَبَدًا اِنَّ رَبِّي اَمَرَنِي اَنْ اَحِبَّهُمَا وَ اَحِبَّ مِنْ يُحِبُّهُمَا» امام حسين بن علي، ميرزا خليل كمرهاي، ص ۲۵.

١. قال ابو عبد الله (عليه السلام): «...وَمَنْ ذَكَرَ الْحُسَيْنَ عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِنَ الدَّمُوعِ مِقْدَارَ جَنَاحِ ذُبَابٍ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ لَمْ يَرْضَ لَهُ بِدُونِ الْجَنَّةِ»، كامل الزيارات، ص ١٠٠، ح ٣.

٢. بحار الانوار، ج ١٠١، ص ٤، ح ١٦.

٣. بحار الانوار، ج ١٠١، ص ٤، ح ١٥.

٤. بحار الانوار، ج ٤٤، ص ٢٩٠.

٥. امالي صدوق، ص ٧٩.

٦. وسایل الشيعه، ج ١٠، ص ٣٩٢.

٧. بحار الانوار، ج ٩٨، ص ٨.

٨. «إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّهِ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا»

نسا / ٨٦

٩. «مَنْ أَتَى إِلَيْهِ مَعْرُوفٌ فَوَجِدَ فَلَئِكَافٍ وَ مَنْ لَمْ يَجِدْ فَلَيْثِنِ عَلَيْهِ فَإِنَّ مَنْ أَتَى عَلَيْهِ فَقَدْ شَكَرَهُ وَ مَنْ كَتَمَهُ فَقَدْ كَفَرَهُ»، كنز العمال، ج ٦، ص ٤٦٤.

١٠. «وَ بَدَلَ مُهْجَتِهِ فِيكَ لَيْسْتَ تَقْدِّ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ»، زيارت اربعين، مفاتيح الجنان.

١١. «مَنَارَادَ اللَّهِ بِهِ الْخَيْرَ قَدَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ»، كامل الزيارات، ص ١٤٢.

١٢. «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِأَتَبْرُدُ أَبَدًا»، جامع الاحاديث الشيعه، ج ١٢، ص ٥٥٦.

١٣. «قال رسول الله (عليه السلام): أَلَا - وَ صَيَّلَ لِي اللَّهُ عَلَى الْبَاكِينَ عَلَى الْحُسَيْنِ رَحْمَةً وَ شَفَقَةً»، ينابيع الحكمة، ج ١، ص ٢٩٦ / بحار الانوار، ج ٤٤، ص ٣٠٤.

١٤. «فَعَلَى مَثَلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ»، بحار الانوار، ج ٤٤، ص ٢٨٤.

ص: ٨٢

١. «يَابْنَ شَيْبِ إِنْ كُنْتَ بَكَيتَ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ (عليهالسلام) حَيْثُ تَصِيرُ دُمُوعُكَ عَلَيَّ خَدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ»، امالى صدوق، ص ٧٩.

٢. «يَا فَضِيلَ مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنَيْهِ مِثْلَ جَنَاحِ الذُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ...»، بحارالانوار، ج ٤٤، ص ٢٨٢، ثواب الاعمال، ص ٣٢٣.

٣. «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصَدُّ كَمَا يَصَدُّ الْحَدِيدُ إِذَا أَصَابَهُ الْمَاءُ؛ قِيلَ: وَ مَا جَلَاؤُهَا؟ قَالَ: كَثْرَةُ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ». پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) ، میزان الحکمه، ج ٨، ص ٢٤٧.

٤. «عن ابی الحسن الرضا (عليهالسلام) قال: مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا وَ بَكَى لِمَا ارْتَكَبَ مِنَّا كَانَ مَعْنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ مَنْ ذُكِّرَ بِمُصَابِنَا فَبَكَى وَ أَبَكَى لَمْ تُبَكَّ عَيْنُهُ يَوْمَ تُبَكَّى الْعُيُونُ وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرُنَا، لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ»، بحارالانوار، ج ٤٤ ص ٢٧٨ / امالى صدوق، ص ٤٥.

٥. «الْإِيمَانُ عَقْدٌ بِالْقَلْبِ وَ لَفْظٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ»، میزان الحکمه، ج ١، ص ٣٠٢.

٦. «أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ»، بحارالانوار، ج ٦٩، ص ٢٤٢.

«نَظَرَ النَّبِيُّ (صلی الله علیه وآله) إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليهما السلام) وَ هُوَ مُقْبِلٌ فَأَجْلَسَهُ فِي حِجْرِهِ وَ قَالَ: إِنْ لَقِيتَ الْحُسَيْنَ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا. ثُمَّ قَالَ (عليهالسلام): بِأَبِي قَتِيلٍ كُلِّ عِبْرَةٍ. قِيلَ: وَ مَا قَتِيلٌ كُلِّ عِبْرَةٍ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟»

١. قال: لَا يَذْكُرُهُ مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى، مستدرک الوسائل، ج ١٠، ص ٣١٨.

٢. «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُ فِى مُؤْمِنٍ إِلَّا اسْتَعْبَرَ»، كامل الزيارات، ص ١٠٨.

٣. «عن ابى عبدالله (عليه السلام): نَفْسُ الْمَهْمُومِ لُظْمِنَا تَسِيحٌ وَ هُمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ وَ كِتْمَانٌ سِرٌّ نَا جِهَادٌ فِى سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): يَجِبُ أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الْحَدِيثُ بِالذَّهَبِ»، بحار الانوار، ج ٤٤، ص ٢٧٨ / امالى مفيد، ص ٢٠٠.

٤. امام صادق(ع): «...مَنْ أَنْشَدَ فِى الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَمَا بَكَى وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ. ثُمَّ قَالَ: مَنْ ذَكَرَهُ فَبَكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ»، كامل الزيارات، ص ١٠٥.

٥. رجوع شود به بحار الانوار، ج ١٠١، باب ٢٢.

٦. قال ابو عبدالله (عليه السلام): «لِكُلِّ شَيْءٍ ثَوَابٌ إِلَّا الدَّمْعَةَ فِينَا»، كامل الزيارات، ص ١٠٦.

٧. مائده / ٣٥.

٨. شاعر اهل بيت در زمان امام صادق (عليه السلام)

٩. منتهى الآمال.

١٠. «يَا كَمِيلُ سَمِّ كُلِّ يَوْمٍ بِاسْمِ اللَّهِ وَ قُلْ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ اذْكُرْنَا وَ سَمِّ بِاسْمَائِنَا وَ صَلِّ عَلَيْنَا... تُكْفَى شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ»، تحف العقول، ص ١١٤.

١١. «عن ابى جعفر (عليه السلام): ... وَ أَيْ مُؤْمِنٍ مَسَّهُ أذى فِينَا فَدَمَعَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى يَسِيلَ دَمْعُهُ عَلَى خَدَّيْهِ مِنْ مَضَاضِهِ مَا أَوْذَى فِينَا صَرَفَ اللَّهُ عَنْ وَجْهِهِ الْأذى وَ آمَنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ سَخَطِهِ وَ النَّارِ»، بحار الانوار، ج ٤٤، ص ٢٨١.

ص: ٨٤

۲. امام صادق (عليه السلام): «...وَأَنَّهُ (حسين بن علي عليهما السلام) لَيَنْظُرُ أَيَّ مَنْ يَبْكِيهِ فَيَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ يَسْأَلُ أَبَاهُ الْإِسْتِغْفَارَ لَهُ وَ يَقُولُ: أَيُّهَا الْبَاكِي لَوْ عَلِمْتَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَكَ لَفَرَحْتَ أَكْثَرَ مِمَّا حَزَنْتَ وَ إِنَّهُ لَيَسْتَغْفِرُ لَهُ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَ خَطِيئَةٍ»، كامل الزيارات، ص ۱۰۳ / بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲.

۳. وكان محدثه الحسين (عليه السلام)، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۱.

۴. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۶، ح ۱۹.

۵. «عن مسمع قال: قال لي ابو عبدالله (عليه السلام): يا مسمع أنت من أهل العراق أما تأتي قبر الحسين (عليه السلام)؟... قال لي: أفما تذكر ما تصنع به؟ قلت: بلى. قال: فتجزع؟ قلت: إي والله و أستعبر لندلك حتى يرى اهلي أثر ذلك علي، فامتنع من الطعام حتى يستبين ذلك في وجهي. قال: رحم الله دمعتك، أما أنك من الذين يعيدون في أهل الجزع لنا. والذين يفرحون لفرحنا و يحزنون لحزننا و يخافون لخوفنا يأمنون إذا آمننا، أما أنك سترى عند موتك حضور آبائي لك و وصيتهم ملك الموت بك و ما يلقونك به من البشارة ما تقر به عينك قبل الموت، فملك الموت أرق عليك و أشد رحمة لك من الأم الشفيقة علي ولدها»، كامل الزيارات، ص ۱۰۱ / بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۰.

۶. رجوع شود به پی نوشت ۵۳.

۷. رجوع شود به پی نوشت ۵۷.

«... فَقَالَ النَّبِيُّ: يَا فَاطِمَةُ إِنَّ نِسَاءَ أُمَّتِي يَبْكُونَ عَلَى نِسَاءِ أَهْلِ بَيْتِي وَ رِجَالُهُمْ يَبْكُونَ عَلَى رِجَالِ أَهْلِ بَيْتِي وَ يُجَدِّدُونَ الْعِرَاءَ جِيلاً

۱. بَعْدَ جِيلٍ فِي كُلِّ سِنَةٍ؛ إِذَا كَانَ الْقِيَامَةُ تَشْفَعِينَ أَنْتِ لِلنِّسَاءِ وَ أَنَا أَشْفَعُ لِلرِّجَالِ وَ كُلُّ مَنْ بَكَى مِنْهُمْ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْنِ أَخَذْنَا بِيَدِهِ وَ أَدْخَلْنَاهُ الْجَنَّةَ. يَا فَاطِمَةُ! كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنُ بَكْتِ عَلِيٍّ مُصَابِ الْحُسَيْنِ فَإِنَّهَا ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ بِنَعِيمِ الْجَنَّةِ»، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۳.

۲. امام رضا (عليه السلام): «يَابْنَ شَيْبِ، إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى فِي الْجَنَانِ فَاحْزَنْ لِحُزْنِنَا وَ افْرَحْ لِفَرَحِنَا وَ عَلَيْكَ بَوْلَايَتِنَا...»، امالی صدوق، ص ۷۹.

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۵۹.

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۹۳.

۵. عبدالله حماد بصری.

۶. برداشتی از حدیث ۱، باب ۱۰۸، کامل الزیارات.

۷. مسند الامام الرضا، ج ۱، ص ۲۹۴.

۸. مستدرک الوسائل، ج ۲۵، ص ۲۶۶.

۹. آیت الله صافی گلپایگانی، کتاب مسایل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ۳، ص ۳۲.

۱۰. حکمت ۷۳، نهج البلاغه.

۱۱. آیت الله تبریزی، کتاب مسایل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ۴، ص ۱۱.

۱۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶. ویژگی های مجلس عزاداری وزین و مطلوب اهل البيت (عليهم السلام) و صفات سخنان و ذاکران با اخلاص را عالمان بزرگ دینی ده ها بلکه صد ها سال قبل در کتاب های نظیر «لؤلؤ و مرجان» و «نفس المهموم»

بیان کرده اند و برخی از اشارات این نوشتار هم برگرفته از همان توصیه هاست.

۱. پاسخ به شبهات عزاداری، حسین رجبی، ص ۱۰۵.

۲. شرح حال نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۲، ذیل وصیت نامه ی امام علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام)

۳. اثبات الوصیه الامام علی ایطالب، ص ۱۳۳.

۴. عیون الخبار و فنون الآثار، عماد الدین قرشی، ص ۱۰۹.

۵. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۹۶. موارد فوق از کتاب پاسخ به شبهات عزاداری نوشته ی حسین رجبی نقل شده است.

۶. مسائل جدید از دیدگاه علما، ص ۴۰.

۷. سخنرانی های راشد، جلد دوم (سال ۱۳۲۱)، ص ۲۹۷.

۸. «فَكَدَّ كَيْدَكَ وَاسِعَ سَيْعِيكَ وَ نَاصِبَ جَهْدَكَ: فَوَاللَّهِ لَا تَمُحُو ذِكْرَنَا وَ لَا تُمِيتُ وَحِينًا وَ لَا تُدْرِكُ أَمَدَنَا وَ لَا تَرَحُّصُ عَنْكَ عَارُهَا وَ هَلْ رَأَيْتَ إِلَّا فَنَدَ وَ أَيَّامَكَ إِلَّا عَدَدٌ وَ جَمْعَكَ إِلَّا بَدَدٌ؟»، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۵.

ص: ۸۷

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

